

کتاب «انقلاب ایران به روایت رادیو بی‌بی‌سی»

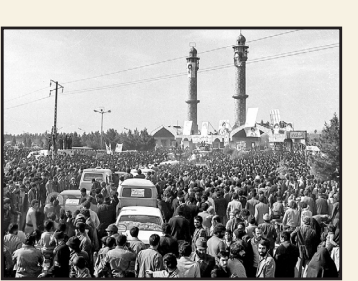
نظر و گذری بر «انقلاب ایران به روایت رادیو بی‌بی‌سی»

رسانه دولتی انگلستان و تضعیف پنهان انقلاب ایران

■ شاهد توحیدی

اثری که هم‌اینگ در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که از نام آن هویداست، روایت رادیو بی‌بی.سی از انقلاب اسلامی ایران را بازمی‌خواند. عبدالرضا هوشنگ مهدوی تدوین‌شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است. تارنمای ناشر در معرفی این کتاب به نکات پی‌آمده اش‌ارت برده است:

«رادیو بی‌بی.سی یکی بنگاه خبر پراکنی وابسته به وزارت امور خارجه انگلیس است. هدف از راه‌اندازی این رادیو، جلب حمایت ملت‌ها از انگلیس، فراهم‌آوردن زمینه برای سرمایه‌گذاری در کشورها جلب منافع انگلیس و تخریب چهره‌های مخالف استعمار است. این رادیو در آستانه جنگ جهانی دوم، زمینه اشغال نظامی ایران را فراهم کرد. رادیو بی‌بی.سی حتی به عنوان ابزاری برای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به کار گرفته شد. بنگاه‌سخن‌پراکنی بی‌بی‌سی با زیرکی خاصی، همواره درصدد تضعیف حرکت انقلاب اسلامی بود. این رادیو با به راه انداختن جنگ روانی علیه نیروهای انقلابی، سعی می‌کرد تا از پیروزی انقلاب اسلامی جلوگیری کند. بی‌بی‌سی با تفسیر یا انتشار اخبار تلاش می‌کرد تا بین نیروهای انقلابی اختلاف ایجاد کند. ار تشر را علیه نیروهای انقلابی تحریک کند، با قدرتمند جلوه‌دادن حکومت‌ها انقلابیون را مأیوس کند، از تشکیل یک حکومت اسلامی آنها را ناامید سازد، حرکت تکاملی مردم را حرکت به سوی هرج و مرج جلوه دهد و مردم را از شرکت در راهپیمایی بترساند. بی‌بی‌سی در آستانه ورود امام خمینی با نقل گزیده‌هایی از مطبوعات انگلیسی، دست به یک جنگ تمام عیار روانی علیه



۲۴ بهمن ۱۳۵۷. بهشت زهرا(س) خیل جمعیت در استقبال از امام خمینی(ع)

انقلاب زد. این رادیو در اخبار شبانه‌گاهی خود در دهم بهمن گفت: هرج و مرج در ایران حاکم شده و مراحل ابتدایی یک جنگ داخلی را طی می‌کند، با ایران را حال سوق یافتن به سوی یک جنگ همه‌جانبه داخلی است. این رادیو در مورد جمهوری اسلامی گفت: ظهور این اتحاد و یگانگی در پشتیبانی از طرح جمهوری اسلامی ای‌تاله خمینی فریبنده است و نباید اجازه داد تا روش حکومتی از سوی آیت‌الله خمینی بر آنها تحمیل شود. این رادیو با برشمردن گروه‌های چپ و راست سعی کرد با تحریک آنها را در مقابل امام‌خمینی قرار دهد. به همین جهت، بارها رادیو بی‌بی.سی مورد انتقاد روحانیون مبارز قرار گرفت. با این همه مقامات رژیم، هم به طر‌ف‌داران شاه و هم مخالفان شاه مصاحبه می‌کرد، حوادثی را در اخبار خود ذکر می‌کرد که رژیم ترجیح می‌داد، مسکوت بماند. از این جهت تیمسار‌ها حق داشتند که ضربه‌های خبره‌های بی‌بی‌سی را ذکر کنند. پارسونز در پاسخ به اعتراض ژنرال ازهری از اخبار بی‌بی‌سی گفت: درباره‌ی قبیل اتهامات با خبر نگاری بی‌بی‌سی در تهران بحث کرد‌ام، خبرنرمجموعه گزارش‌های خبری را که طی چند هفته گذشته مخایره کرده بود، به من نشان داد و من عیبی در آنها ندیدم. مقامات ایرانی سعی می‌کردند، تا بی‌بی‌سی در مورد وقایع ایران سکوت کند. وزارت امور خارجه ایران تحت فشار مقامات ایرانی، پرویز راجی سفیر ایران در انگلستان را مجبور کردند تا نامه اعتراضیه‌ای را به مارک‌داد رئیس بخش شرقی بی‌بی‌سی بنویسد. مارک‌داد جواب داد: شما چطور از بی‌بی‌سی انتظار دارید در مورد واقعیتی به نام [آیت‌الله] خمینی اینکه به صورت یک عامل عسده در موازنه سیاسی ایران خودنمایی می‌کند، بی تفاوت بماند؟ از طرف دیگر چون برنامه فارسی بی‌بی‌سی، هرگز به‌خشن انقلابی [آیت‌الله] خمینی را پیش نکرده، به همین دلیل نیز مواجه با نامه‌های متعددی از سوی ایرانیان بوده که بی‌بی‌سی را به عدم توجه نسبت به حرکت عظیم مردم ایران متهم کرده‌اند و می‌گویند: چطور بی‌بی‌سی خود را منادی دموکراسی و آزادی می‌داند، در مورد خواسته‌های مردم ایران این طور بی‌اعتنا مانده است؟...»

تاریخ ۶۰-۸۵۲۳

تاریخ ۶۰-۸۵۲۳



«شهید آیت‌الله سیدمحمدعلی آل‌هاشم در قامت امام جمعه تراز» در گفت‌وشنود با دکتر احمد فرشبافیان

اودر متن مردم زیست وبه پناهگاه آنان تبدیل شد

■ معصومه محرمی

در روزهایی که بیر ما گذشت، شهید آیت‌الله سیدمحمدعلی آل‌هاشم امام جمعه محبوب و مردمی شهر تبریز روی از جهان برگرفت و به سوی ابدیت رهسپار شد. هم از این‌روی و در بازشناسی سیره و منش آن بزرگ‌بادکتر احمد فرشبافیان استاد دانشگاه تبریز به گفت‌وگو نشستیم. امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

به عنوان نخستین سؤال شهید آیت‌الله سیدمحمدعلی آل‌هاشم را با چه خصالی به یاد می‌آورید؟

با عرض تسلیت شهادت رئیس‌جمهور انقلابی کشورمان شهید آیت‌الله دکتر رئیسی عزیز و شهید آیت‌الله سیدمحمدعلی آل‌هاشم و شهید دکتر مالک رحمتی استاندار انقلابی تبریز و شهید دکتر حسین امیر عبداللّه‌یان وزیر خارجه مجاهد و دیگر هم‌راهان شهیدشان به محضر معظم انقلاب و مردم شریف ایران و تبریک این شهادت به ارواح ملکوتی این پاک‌باختگان مسیر رو به قله انقلاب اسلامی ایران. معمولاً شخصیت‌ها را با مجموعه‌ای از خصالی که سلوک شخصی آنهاست و نیز با مجموعه‌ای از ویژگی‌های مدیریتی به صورت جدا از هم معرفی می‌کنند، ولی در مورد امامت جمعه‌ای که نماینده ولی‌امر مسلمین و متولی بسیاری از امور معنوی یک خطه است، این ویژگی‌ها در هم ادغام می‌شوند. به عبارت دیگر در این رابطه، وقتی به ویژگی‌های مورد نیاز و لازمی از قبیل: سلوک صمیمانه با مردم مؤمن و به ویژه قشر جوان انقلابی و پرسرور، قرارگرفتن در مسیر خدمت و پیشرفت‌های فکری و عملی نظام اسلامی، ایجاد وحدت کلمه در میان عموم مردم، رابطه صمیمی با دانشگاهیان و نخبگان، همدلی با ایثارگران و همدردی باضعیفان – که در حکم رهبر حکیم انقلاب به آیت‌الله شهید آل‌هاشم آمده نگاه می‌کنیم – به این واقعیت پی‌می‌برسیم. البته عمل به این‌مأموریت‌ها پیش‌زمینه‌ای می‌خواهد که بدون وجود آنها در یک امام جمعه نمی‌توان بدان‌ها رسید. بنابراین ما همه این پیش‌نیازها را در شخصیت شهید آیت‌الله آل‌هاشم مشاهده کردیم؛ برخی از آنها به این قرار است:

۱: ایمان و اعتقاد راسخ به مکتب که رهاورد تلاش‌های

حضور در خوابگاه‌های دانشجویی، غذاخوردن برسر یک میز با دانشجویان، شرکت در برنامه‌های مختلف دانشگاه با جدیت تمام، حاکی از جایگاه داشتن این نهاد در فکر و اندیشه امام جمعه فقید تبریز بود. اگر مدبری هم در دانشگاه به ظاهر گرایش جناحی داشت، اما برای مصالح نظام اسلامی و منافع مردم کار می‌کرد و واقعاً برای شعائر دینی و ملی ارزش قائل می‌شد، این شهید بزرگوار مصادم از او حمایت می‌کرد



دکتر احمد فرشبافیان در کنار شهید آیت‌الله سیدمحمدعلی آل‌هاشم

برنامه‌ها را دنبال می‌کردند. از جمله برنامه‌هایی که برایشان مهم بود و در همه سال‌هایی که این برنامه‌ها برگزار شد، خودشان شخصاً حضور یافته و آغازگر برنامه بودند، کنگره بین‌المللی ادبیات عاشورایی، کنگره بین‌المللی نشان علمی – فرهنگی شهریار و دوره‌های داش‌افزایی زبان فارسی برای دانشجویان کشورهای همسایه و بیدارسازی مردم و جوانان جمهوری موسوم به آذربایجان بود.

این روحیه آشنایی و صمیمیت پر سرعت چه حسی را در شما و دیگر مخاطبان برمی‌انگیخت؟

خیلی از بزرگان هستند که هرچند در طولانی مدت با افرادی آشنا باشند، ولی با کمی قطع ارتباط، دیگر همه چیز فراموششان می‌شود و من نبود این حالت را در آن بزرگوار حاکی از تیز هوشی و حساسیت ایشان به محیط‌های علمی- فرهنگی می‌دیدم. فقید سعید به رغم حضور طولانی مدتشان در محیط ارتش، وقتی در جایگاه فرهنگی – اجتماعی امامت جمعه قرار گرفتند، به سراغ نیروهای عمدتاً فرهنگی جامعه رفتند و دانشگاه راه می‌گذازیمولفه‌های علمی- فرهنگی می‌دیدند و انصافاً سرمایه‌گذاری‌های ارزشمندی می‌کردند.

در مرادات اجتماعی ایشان چه خصلتی را بارزتر می‌دیدید و علت آن چه بود؟

ایشان در خیلی از وجوه شخصیتی اسوه بودند، ولی فکر می‌کنم مردم‌داریشان بارزتر بود. همگان دانستان تماس‌های تلفنی و مکرر امام جمعه فقید، با جوانان هنرمند و غیره را شنیده‌اند و می‌دانند. این تواضع و خودشنکی در برابر آنهایی که زمینه ارتقا و اصلاح دارند از کمتر کسی برمی‌آید. ایشان تلاش داشتند تا کسی از ایشان دل‌آزده نشود یا اینطور بگویم که برای افراد و زحماتشان ارزش بسیار قائل بودند. یادم است در یکی از ملاقات‌هایی که به محضرشان رسیدم، دو عنوان از کتب تألیفی خود را تقدیمشان کردم و درخواست اظهارنظر بعد از مطالعه را داشتم که ایشان با روی باز پذیرفتند. حدود یک ماه بعد که برای کاری خدمتشان بودم، با مطالعه و نقدشان بر کتاب‌ها سراغ گرفتم. فرمودند: «چون قول داده بودم که مطالعه کنم و دیدم که نمی‌روسم، دادم به یکی که بخواند و خلاصه دو کتاب را برآیم بیاورد و سپس نظم را اعلام کنم.» دیدم واقعاً برای زحمت حقیر ارزش قائل شده‌اند که اینگونه عمل کرده‌اند. بگذارید قدرشناسی ایشان را نیز

د

آیت‌الله آل‌هاشم ابتدا به ساکن، بین مردم اعم از انقلابی و افراد زاویه‌دار با نظام، در حل مشکلاتشان خط‌کشی نمی‌کرد و چه بسا با ساختن یک مرجع و پناهگاه مطمئن از خود برای مسئله‌دارها آنها را نسبت به انقلاب و نظام و وجود خدا، در این همه در برابر هجمه به اصول انقلاب و نظام اسلامی از طرف هر کسی می‌بود، کوتاه نمی‌آمد و به وظیفه دینی خویش عمل می‌کرد

بگویم. در سال ۹۷ و در جریان یک مأموریت علمی که به همراه یکی از اساتید (دکتر مهدی‌پور) به استانبول داشتیم، رئیس اتحادیه علمی مسلمانان در ترکیه، جلد قرآن چاپ‌شده از عکس قرآن نوشته شده به خط مبارک امیرالمؤمنین علی (ع) را به بنده و نسخه خط عثمان را نیز به همکارمان اهدا کرد. من در ملاقاتی دیدم ایشان صحبت از نسخ خطی قرآن می‌کنند، لذا تصمیم گرفتم قرآن مورد اشاره را به کتابخانه ایشان اهدا کنم و در ملاقات بعدی این کار را کردم. ایشان در آن جلسه بسیار اظهار لطف کردند. همچنین در دو ملاقات بعدی که در دانشگاه میسر شد، ایشان مدام یادآور اهدای این نسخه می‌شدند و تشکر می‌کردند. لذا قدرشناسی صفت باز ایشان بود.

در تعاملات امام جمعه فقید با جوانان و دانشجویان تا چه حد گرایش‌ات فرهنگی و علمی ایشان مشهود بود؟

ایشان به دانشگاه، آشنایی و اشراف کامل داشتند و حضورشان هم علمی بود و هم فرهنگی. جالب است که ایشان سه بار، در کنگره نشان علمی – فرهنگی شهریار حضور یافتند و انصافاً در هر کنگره هم، در مورد ابعاد علمی و ادبی شهریار و مهارت کامل سخنرانی کردند. البته ایشان ارتباط حضوری و نزدیک با استاد شهریار هم داشتند و این مسئله باعث شده بود که با ابعاد شخصیتی این شاعر شهیر هم آشنا باشند. این امر در برپار شدن کنگره ما تأثیر داشت. جالب است که اساتید دانشگاه‌های باکو که مدعی آشنایی با اشعار شهریار بودند، بعد از سخنان ایشان اظهار می‌کردند که برای اولین بار در مورد شهریار این مطالب را می‌شنوند!

پس اهمیت دانشگاه در ذهن و رفتار آن شهید را پس مهم ارزیابی می‌کنید؟

قطعاً. من بارها و بارها وقتی به محضرشان می‌رسیدم، خیلی ریز و دقیق پیگیر مسائل مربوط به مدیریت‌های دانشگاه، کیفیت آموزش و حتی حالات و روحیات دانشجویان بودند. اگر مدیری در دانشگاه براساس جناح بازی و سیاسی می‌کرد، ایشان حساس می‌شدند، کاری به گروه‌بندی‌های سیاسی و من‌درآوردی نداشتند. هر کس بیشتر در خدمت مردم بود، بیشتر مورد پذیرش ایشان قرار می‌گرفت و اگر از مدبری در رنجید، به علت توانایی و کارناپذلی بایی‌ایقتی‌اش در اداره محیط تحت‌مدیریتی بود نه چیز دیگر. همان روحیه مردمی که ایشان برای عامه مردم داشتند، در برخورد با دانشگاهیان به ویژه دانشجویان نیز نشان می‌دادند. حضور در خوابگاه‌های دانشجویی، غناخوردن برس یک میز با دانشجویان، شرکت در برنامه‌های مختلف دانشگاه با جدیت تمام، حاکی از جایگاه این نهاد در فکر و اندیشه ایشان بود. اگر مدبری هم در دانشگاه، به ظاهر گرایش جناحی داشت، اما برای مصالح نظام اسلامی و منافع مردم کار می‌کرد و واقعاً برای شعائر دینی و ملی ارزش قائل می‌شد، این شهید بزرگوار مدام از او حمایت می‌کردند. البته این موضوع، فقط اختصاصی به دانشگاه نداشت و در پست‌های بالای مدیریتی استان هم چنین بود.

از کنگره بزرگداشت استاد شهریار گفتید. آیا در کنگره ادبیات عاشورایی نیز از ایشان خاطره‌ای دارید؟

علاقه ایشان به فرهنگ و ادبیات عاشورایی که بسیار مشهود بود و از کنگره‌ای تا کنگره دیگر، مدام پیگیر بودند که در چه زمانی برگزار می‌شود، از سال ۹۷ تا همین ۱۴۰۲ و غیر از دو سال کرونا در همه کنگره‌ها حضور یافته و سخنرانی کردند. در کنگره سال ۱۴۰۰، صبح روز اصلی کنگره، ۲۵ نفر از میهمانان خارجی از کشورهای آذربایجان، ترکیه، گرجستان و عراق را به محضرشان بردیم و یک سخنرانی کردند و میهمانان نیز شعرخوانی، مداحی و سخنرانی داشتند. تقریباً دو ساعتی طول کشید و بعد از مراسم از محضرشان دعوت کردم که در برنامه اصلی شب هم سخنرانی داشته باشند، مکنی کردند و قبول فرمودند. وقتی عصر به مراسم آمدند، دیدیم با عصاره می‌روند و ما از کمردردشان بی‌اطلاع بودیم! وقتی معذرت‌خواهی کردم که نمی‌دانستیم وضع اینطور است و ای کاش می‌گفتید، گفتند فقط چون اسم عاشورا روی برنامه بود، قبول کردم. این نشان از علاقه و احترام راسخ ایشان به فرهنگ عاشورا است. بعد از آن برنامه هم – که ادامه‌اش با مساعدت مسئول محترم و بزرگوار حوزه نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه عاشورا (برادرمان حاج آقای سراسی) در

روزنامه جوان | شماره ۲۹۰۷

مشهد مقدس برگزار شد– برای ارائه گزارش خدمتشان رسیدم. فرمودند: این برنامه ادبیات عاشورایی با حضور محققین و مداحان و شاعران سایر کشورها خیلی ابتکار خوبی است، پررونقش کنید، من هم هرچه بتوانم حمایت می‌کنم. کنگره ۱۴۰۲ هم آخرینش بود که در آن حضور گرمی داشتند و متأسفانه امسال از حضورشان بی‌بهره خواهیم بود. ان‌شاءالله با صاحب‌عاشورا حضرت سیدالشهدا (ع)، محشور شوند و ما نیز از دعای ایشان بهره‌مند باشیم.

آیا در برنامه‌هایی که در کشورهای همسایه داشتید، از وجود شهید بهره می‌بردید؟

اینکه آن بزرگوار نسبت به مسائل مسلمانان، به ویژه شیعیان در کشورهای همسایه حساس بودند، کاملاً واضح بود، ولی اقدامات ایشان با به درخواست شیعیان و مسلمانان کشورها یا با برنامه‌ریزی از طرف خودشان انجام می‌گرفت. مثلاً حضور ایشان در بین شیعیان شهر ایغدیر ترکیه، تأثیر به‌سزایی در رونق گرفتن برنامه‌های دینی فرهنگی در بین جوانان داشت و حضور ایشان در این مناطق، باعث سهولت ارتباط‌گیری ما نیز می‌شد و بهره‌گیری ما از حضور ایشان بدین‌متوال بود. با اشرافی که به مسائل بین‌المللی داشتند، انصافاً خیلی از مشکلات گروه‌ها و جمعیت‌های دینی جوان آنها را حل می‌کردند و وجودشان واقعا مطمئن بود.

شهید آل‌هاشم چگونه با افراد و اقشار متفاوت و دگراندیش به تعامل می‌پرداخت و آنها را جذب می‌کرد؟

آنچه به طور عام مشهود بود، این است که ایشان ابتدا به ساکن، بین مردم اعم از انقلابی و افراد زاویه‌دار با نظام، در حل مشکلاتشان خط‌کشی نمی‌کرد و چه بسا با ساختن یک مرجع و پناهگاه مطمئن از خود برای مسئله‌دارها، آنها را نسبت به انقلاب و نظام خوش‌بین می‌کرد و تا جایی که بنده خبر دارم، مثال‌های متعددی برای این امر وجود دارد. با این همه در برابر هجمه به اصول انقلاب و نظام اسلامی از طرف هر کسی می‌بود، کوتاه نمی‌آمد و به وظیفه دینی خویش عمل می‌کرد.

شواهد نشان می‌دهد که ایشان در طول مدت تصدی مسئولیت، توانست جریان تجزیه طلب را کنترل کند. وی در این کار بزرگ را از چه شیوه‌ای استفاده می‌کرد؟

به نظر من جریان تجزیه طلب، دو وجه یا دو لایه دارد. لایه یک تئورسین‌ها و برنامه‌ریزهای پشت صحنه آنها و لایسه به سیستم‌های امنیتی خارجی هستند که هیچ نسبتی با مردم مؤمن و شریف ما ندارند. البته بطبع همه دست‌اندرکاران و مدیران فرهنگی هم، در قبال این طیف مسئولیت‌های تعریف شده دارند، اما بخشی از افرادی که بعضاً از روی فریب و غفلت شعارهای ساخته آنها را در میادین مختلف اجتماعی سر می‌دهند، جوانانی هستند که عوامل متعدد آنها را به این وادی کشانده است و شهید آیت‌الله آل‌هاشم، پیوسته دغدغه نجات این قشر از چنگال اربابان فکری تجزیه طلبی را داشتند و با حضور در مجامع مختلف جوانان حتی ورزنگاه‌ها، تقریباً در این عرصه نیز از موفقیت نسبی برخوردار بودند. یقیناً حضور دلسوزانه ایشان در کنترل این جریان مخرب در استان ما تأثیر به‌سزایی داشته است.

شهید آل‌هاشم تا چه حد توانست طراز امام جمعه‌گی را ارتقا دهد و وفق پیش‌روی امام جمعه آینده شهر تبریز چیست؟

یکی از عواملی که می‌تواند افراد را در مسیر تحول قرار دهد، فهم شرایط زمانی و مکانی است و عدم فهم آن در طول زمان فاجعه بار می‌شود! آنچه ایشان را در مقام امامت جمعه موفق کرد، «بودشان» بود. نکته قابل توجه اینکه ایشان در مدت زمانی مدید، در محیط امر و نهی ارتش بودند و انتظار اولیه این بود که آن روحیه سلسله مراتبی و دستوری را بالا بچگونه با لطافت رفتاری مورد نیاز در رفتار یک امام جمعه خواهد ساخت؟ ولی ایشان باقرآرگرفتن در جایگاه امامت جمعه با به کارگیری اخلاق، منش و سلوک اسلامی در همه جایگاه‌ها راه به رخ کشیدند که اگر منش، فکر و اندیشه الهی باشد، در تمام میدان‌ها وظیفه را مطابق نیاز برعهده می‌گیرد و نتایج مهم می‌آفریند.

برخی از اولین روزهای امامت ایشان در تبریز و برداشتن زنده‌های حفاصل مسئولان و مردم در صلا، کوچک، سطحی و غیرمفید بودن این حرکت، مطرح می‌کردند و نیز حرکت‌های مردمی ایشان مانند حضور در مترو و اتوبوس عمومی و کارهای دیگر را کوچک می‌شمردند! غافل از اینکه اگر برخی از مسئولان از مردم فاصله گرفته‌اند، با رعایت نکردن همین نکات کوچک بوده است و باید با رعایت همان کوچک‌ها، جبران مافات می‌شد و مردان بزرگ نیز با رعایت نکات کوچک، بزرگ می‌شوند. ارتقای طراز امامت جمعه تبریز از مسیر همین رفتارها مانند همدی با قشر ضعیف جامعه حضور در متن مردم و ارزش دادن به جایگاه و مقام انسانی و دینی افراد عبور می‌کند و به هدف می‌رسد و شهید آیت‌الله آل‌هاشم با بازاندیشی و انجام رفتارهایی اخلاق مدارانه، توانست این امر را محقق سازد و امام جمعه بعد از ایشان مسیر دشواری را در پیش‌شان گذاشت. چون توقع مردم دیگر انتظارات سال ۹۶ نیست، بلکه طراز امامت جمعه حداقل در تبریز تغییر و ارتقا یافته است، بنابراین هم کار انتخاب چنین امام جمعه‌ای برای شورای سیاستگذاری ائمه جمعه سخت است و هم کسی که انتخاب می‌شود، باید در قبول این مسئولیت مآمل بیشتری کند تا بتواند جای خالی چنین شخصیتی را پر کند.